

فرهنگ و تاریخچه طایفه لر سیرجان

مؤلف:

سید الهامانی

ناشر:

بنیاد ایران شناسی با همکاری مرکز کرمان شناسی

سرشناسه: امانی، روح الله، ۱۳۵۷	
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ و تاریخچه‌ی طایفه‌ی لری سیرجان / مؤلف روح الله امانی.	
مشخصات نشر: تهران: بنیاد ایران شناسی؛ کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۳۹۹.	
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص.: مصور (رنگی). نمونه، عکس (رنگی)؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.	
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۶-۴۱-۶	وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص ۳۱۹-۳۲۰	موضوع: لرها - ایران - سیرجان
موضوع: Lur (Iranian People) Tran - Sirjan	
موضوع: سیرجان	موضوع: Sirjan (Iran)
شناسه افزوده: بنیاد ایران شناسی	شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی
رده بندی کنگره: DRS ۷۲	رده بندی دیویی: ۹۵۵/۹۸۶
	شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۷۰۲۶۸



عنوان کتاب:	هنگ
مؤلف:	روح سه امانی
ناشر:	بنیاد ایران شناسی / همکاری مرکز کرمان شناسی
مدیر مسئول:	سید محمدعلی دلایزاده
تنظیم، صفحه‌آرایی:	لیلا گهرگزی
طرح روی جلد:	مهسا مهربانپناه
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۶-۴۱-۶
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۹
قیمت:	۵۰,۰۰۰ ریال
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی:	هنگام

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - مرکز کرمان شناسی. ۰۳۴-۳۲۲۶۹۵۸۱-۴

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه ناشر
۱۱.....	پیشگفتار
۱۷.....	فصل اول: عشایر زاده به دن افشار است
۲۹.....	فصل دوم: تاریخچه طایفه ای سیرجان
۵۵.....	فصل سوم: سهراب خان بزرگ مرزبان
۱۰۵.....	فصل چهارم: سهراب خان در انار باستان یا لری
۱۱۳.....	فصل پنجم: شجره نامه
۱۷۵.....	فصل ششم: نمونه ای از افراد موفق طایفه ای لری
۲۲۱.....	فصل هفتم: فرهنگ و شاخصه های ایل لری
۲۸۳.....	فصل هشتم: اشعار رایج
۲۹۹.....	فصل نهم: اسناد قدیمی
۳.....	منابع

هفتمه نشر

از جمله گروه هایی که در گذر زمان، همواره پرچم افتخار و بالندگی را بر فراز ایران عزیز برافراشته اند عشایر غیور و سلحشور هستند. مردمانی پراگنده، سخت کوش، تولیدگر و وطن خواه که هرگاه کیان این مرز و بوم را در خطر دیدند، جان بر کف به میدان مبارزه تاختند و چنان دس برترتی به بدخواهان دادند که هرگز از یاد نخواهند برد.

برای بیان دلبستگی اینان به اعتقادات و باورهای مذهبی نیز همین بس که بنیانگذار انقلاب اسلامی، آنها را «خائن انقلاب» نامیدند، زیرا امام یقین داشتند که هرچا برای پاسداری از ارزش های انقلاب اسلامی و دفاع از حریم حرمت اسلام نیاری باشند، «از او اشاره کردن و از عشایر، به سر دویدن» و شگفتا که عشایر داور ما هرگز در این رهگذر به انتظار مزد و منتی ننشستند و چیزی طلب نکردند، بلکه باز هم بار سنگین زندگی را بر دوش کشیدند، از بیلاق به قشلاق رفتند و بر عکس، رنج راه را بر خود هموار کردند، تا

رسالت خویش را به انجام برسانند و گردش چرخ های اقتصاد کشور را سرعت بیشتری ببخشند.

بی گمان یکی از افتخارات استان کرمان که همواره بدان نازیده است، وجود عشایر و طوایف گوناگونی است که کارنامه روشن و رخشان آنها زبانزد همگان است، در این میان باید از طایفه لری یاد کرد که از چه پایگاه آنها سیرجان، بافت و جیرفت است، با این همه آثار و یادگارهای در جای جای استان گسترده می باشد، به ویژه لره های سیرجان، یعنی مردم طایفه لری و هم شولی، نام آشنا و خدمتگزار هستند.

اینکه طایفه لری از کدام سرزمین و این مناطق هجرت کردند، بنیادشان بر چه اصلی گذاشته شده، سنت ها و آداب و رسومشان کدام است، هر طایفه چه شاخه هایی دارند ... از جمله بحث های تخصصی است که مؤلف محترم، تا آنجا که در توان و استطاعت ایشان بوده بدانها پرداخته است و ورود اینجانب نه لازم است و نه کارشناسانه، اما در میان بزرگان این طایفه با چهره های ارزانه، تحصیل کرده و خدمتگزاری که سال ها است با آنها در رفد و آمد و مرآورده فرهنگی هستیم، آشنایی دارم که اگر بپذیریم مشتم نمونه خروار است، آنوقت برجستگی های این طایفه بیشتر رخ می نماید، کسانی چون آزاده پر تلاش شهباز حسن پور که سالهاست حلقه

محبت مردم سیرجان را برگردن خود آویخته و از جمله ویژگی‌هایش این است که اگرچه جایگاه نامش (شهباز) آسمانی است و حدیث اوج و پرواز را تداعی می‌کند، اما خودش همان عیشیه آزاده خاکی و زمینی و افتاده است که می‌کوشد تا بزنی‌های طایفه خود را مهر تأیید بزند. دیگرانی چون دکتر باستانی‌راد به سال‌هاست سر در کهنه کتابها فرو برده و هرجا سطری و زمی از کرمان و سیرجان و دیگر مناطق دیار کریمان می‌بینند، شکوفا می‌شود و شادی خود را با انعکاس آنها و انجام پژوهش و تحقیق، در هر مورد، نشان می‌دهد. سایر بزرگان یاد شده که امروز در کسوت پزشک و محقق و خدمتگزار در نهادهای نظامی و اجتماعی شولای عشق و ارادت برفامت خو آراسته‌اند، همه و همه مشتی از همان خروار به شمار می‌روند که چه بجا نبایسته بود که آگاهی عمومی بیشتری از آنها و طایفه سرافرازشان در اختیار دوستداران و تاریخ‌نگاران قرار گیرد.

بر این اساس جا دارد که از نویسنده محترم آقای روح‌الله‌امان

صمیمانه سپاسگزاری شود، اگرچه

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار جرعه ناخورده در رگ تاک است